

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پل رابینسون*
فرستنده: عثمان حیدری
۰۸ فبروری ۲۰۲۲

چگونه روسیه و چین دکترین مونرو امریکا را به نبرد فرا می خوانند!



با بالا گرفتن تنش ها بر سر اوکراین و گسترش پیمان آتلانتیک شمالی ناتو به سمت شرق اروپا، مسکو در حال بررسی تاکتیک های جدیدی برای واکنش های جدید است که هدف آنها نه اروپا بلکه امریکای لاتین یعنی حیاط خلوت ایالات متحده امریکاست که واشینگتن از سال ۱۸۳۲ مدعی است که به امریکا تعلق دارد.

دکترین مونرو از دوصد سال پیش سنگبنای سیاست خارجی ایالات متحده امریکا بوده است در این سیاست امریکای لاتین حوزه نفوذ ایالات متحده امریکا می باشد. اما با توجه به این که روسیه و چین مخالفت خود را با نظم موجود جهان به رهبری ایالات متحده اعلام می کنند، ایالات متحده در این منطقه نیز کمی دچار تزلزل شده است. علی رغم آن که راهکار ایجاد هراس از تهاجم روسیه به ماه چهارم خود پای می گذارد هنوز تانکهای روسی در کیف دیده نمی شوند.

مسکو با اشاره به آنچه ده ها سال تحقیر و بی توجهی به نگرانی های امنیتی خود می نامد خواستار ارائه تضمین های امنیتی از سوی ایالات متحده امریکا و عدم گسترش پیمان آتلانتیک شمالی ناتو به شرق شده است. همانگونه که قابل پیش بینی بود پاسخ ایالات متحده به نگرانی های روسیه یک جواب منفی بود. آنها هیچ قصدی برای پیروی از خواست روسیه ندارند. حال سؤال این است که کرملین چه واکنشی نشان خواهد داد.

با وجود تیتزهای هیستریک در رسانه های غربی در مورد حمله احتمالی روسیه به اوکراین، مسکو قاطعانه این احتمال را رد کرده است. الکسی زایتسوف، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در این هفته گفت: «ملت ما همچنین بارها اعلام کرده است که ما قصد حمله به کسی را نداریم. روسیه اساساً با این ایده که ملت‌ها با یکدیگر وارد جنگ و درگیری شوند مخالفت می‌کند»

این تعجب آور نیست. مقامات و کارشناسان امنیتی روسیه بارها به صراحت اعلام کرده‌اند که اوکراین برای آنها موضوعی جزئی است و نگرانی اصلی آنها بسیار گسترده‌تر است: نگرانی اصلی روسیه ماهیت کلی سیستم بین‌المللی است و مسأله معماری امنیتی است که در اروپا حاکم است، این تصور که عدم دستیابی به توافق در مورد معماری امنیتی در اروپا یعنی مسأله اوکراین باید منجر به یک تهاجم و یا جنگ در مورد مهمترین یعنی سیستم ماهیت کلی سیستم بین‌المللی شود هرگز واقعاً منطقی نبوده.

پاسخ روسیه به این بن بست نه هدف قرار دادن اوکراین بلکه پرداختن به ریشه مسأله یعنی طرفی که مقصر اصلی این مشکلات است می‌باشد و این ایالات متحده امریکاست.

و چه راهی بهتر از به نبرد فراخواندن ایالات متحده در حیاط خلوت خودش برای انجام این کار؟ از زمانی که رئیس جمهور جیمز مونرو «دکترین» معروف خود را در سال ۱۸۲۳ اعلام کرد – که هرگونه مداخله خارجی در سیاست امریکا یک اقدام خصمانه علیه واشنگتن تلقی می‌شود – ایالات متحده توانسته با به کار بردن این سیاست بشدت برتری خود را در قاره امریکا حفظ کند.

این امر در هیچ کجا به اندازه تلاش های متوالی دولت های ایالات متحده برای سرنگونی دولت کوبا و اعمال تحریم های ۶۰ ساله علیه این جزیره مشهود نبوده است. در بحران راکتی کوبا در سال ۱۹۶۲ واشنگتن به صراحت اعلام کرد که حتی حاضر است برای جلوگیری از استقرار سلاح‌های بالقوه دشمن در نزدیکی مرزهای خود، با جنگ هسته‌ای جهان را به خطر بیندازد. امریکا در گذشته به روش های مختلفی دست به سرنگونی و براندازی در کشورهای امریکای لاتین که به نظر آنها با ایالات متحده روابط حسنه ای نداشتند زده است، این سیاست شامل حمایت از کودتاها و قیام‌ها، مانند کمک به کنترها در نیکاراگوئه در دهه ۱۹۸۰ می‌شود.

اما به نظر می‌رسد که تواناییهای واشینگتن برای به انحراف کشیدن امریکای لاتین دچار ضعف شده است. حمایت از کودتا در بولیوی و هندوراس نتیجه معکوس داشته و اعضای دولت سرنگون شده دوباره به قدرت رسیده اند. در همین حال، چین در حال گسترش طرح راه ابریشم خود به امریکای جنوبی است. هفت کشور قبلاً این توافقنامه را امضاء کرده اند و مذاکرات با نیکاراگوئه به عنوان هشتمین کشور در حال انجام است. امریکا دیگر تنها بازیکن حاضر در زمین نیست.

اکنون روسیه هم به صحنه مقابله با امریکا اضافه شده است. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در هفته های اخیر با سران دولت های کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه تلفونی صحبت کرده است. همه کشورهایی که واشنگتن با آنها روابط بسیار بدی دارد. به گفته سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه، هر سه کشور توافق کردند که «مشارکت استراتژیک بدون استثناء، از جمله نظامی و نظامی-فنی» را تعمیق کنند.

البته سرگئی ریابکوف، معاون لاوروف تأکید نکرد که آیا این به معنای استقرار نیروهای روسیه در این کشورها است یا خیر، اما او نیز این امکان را رد هم نکرد. او گفت: «رئیس جمهور روسیه بارها در این مورد به بحث و مذاکره پرداخته که اگر حوادث بین المللی به همین گونه ادامه یابد و امریکا دست از تحریک روسیه برندارد و به افزایش فشار

نظامی خود علیه کشور ما ادامه دهد طبعاً باید به دنبال راه های حل جدیدی بود از جمله از اقداماتی می توان به آن فکر کرد نقش پر رنگتر نیروی بحری روسیه است.»

یک گزینه افراطی که بسیار مورد بحث قرار گرفته است به سال ۱۹۶۲ باز می گردد و به معنای استقرار راکت در کوبا یا ونزوئلا است. با توجه به این که روسیه در حال حاضر دارای راکت های مافوق صوت است، این راکتها می توانند در عرض چند دقیقه به اهدافی در ایالات متحده برسند و این کشور را مورد حمله قرار دهند و امریکا ناتوان از هر نوع و هرگونه دفاعی از خود در برابر این راکت ها می باشد.

با این حال، بعید به نظر می رسد که دولت روسیه دست به چنین اقدام تحریک آمیزی بزند. مگر این که امریکا از قبل کاری مشابه در اوکراین یا جاهای دیگر نزدیک مرز روسیه انجام داده باشد.

حتی گزینه ای که ریابکوف به آن اشاره کرد، یعنی ارسال ناوهای روسی به منطقه، چندان قطعی نیست. دیمیتری مدودف، رئیس جمهور سابق روسیه این هفته گفت: «ما نمی توانیم چیزی به کوبا بفرستیم» و گفت که این به چشم انداز این کشور برای بهبود روابط با ایالات متحده آسیب می زند و «تنش ها را در جهان افزایش می دهد».

با این حال، چنین تهدیدهایی در فضا موج می زند.

همانطور که امکان برداشتن گام های کوچکتر مانند فروش تسلیحات اضافی و حمایت اقتصادی برای توانمندسازی کوبانی ها و دیگران برای مقاومت در برابر تحریم های ایالات متحده هم وجود دارد.

در حال حاضر باید منتظر ماند و دید که مسکو واقعاً چه اقدامات «نظامی و نظامی-فنی» را در سر دارد. اما هر چه که باشد، احتمالاً امریکائی ها آن را دوست نخواهند داشت. همانطور که آنها از حمایت عمومی تر از کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه متنفرند.

در پاسخ به گمانه زنی ها در مورد استقرار نظامی روسیه در امریکا، جیک سالیوان مشاور امنیت ملی وعده داد که ایالات متحده «قاطعانه» به اینگونه راه کارها پاسخ خواهد داد. این تهدیدها واقعاً مسخره است چرا که به نظر می رسد سالیوان و همکارانش در دولت ایالات متحده اصلاً حقی برای پاسخگویی روسیه و دفاع از مرزهایش در برابر تحریکات غرب قائل نیستند آنها نیروهای نظامی شان را به مرزهای روسیه هزاران کیلومتر دورتر ارسال می کنند این طعنه آمیز است، اما اتفاقاً همین است. در واقع، سخت است که ببینیم واشنگتن واقعاً چه کاری می تواند انجام دهد، مگر این که جنگی فاجعه بار به راه انداخته شود. تلاش ها برای سرنگونی دولت های کوبا و ونزوئلا شکست خورده است و روابط اقتصادی با آنها به کلی قطع شده است. امریکا دیگر نمی تواند کار زیادی علیه این کشورها انجام دهد.

واشنگتن اکنون با این واقعیت روبه رو است با این که هنوز قدرت شماره یک جهان باقی مانده است، اما دیگر نمی تواند از موقعیت مسلط خود حتی در حیاط خلوتش اطمینان داشته باشد.

شکست در گام های کوچک و آرام به سراغ امریکا می آید. حتی بدون تشنج های کنونی بین شرق و غرب، مسکو ممکن بود همکاری نزدیکتری با کوبا و دیگران را در پیش بگیرد. اما اگر دارای روابط خوبی با واشنگتن بود، کرملین احتمالاً مراقب بود که ایالات متحده را آنهم در حیاط خلوتش به نبرد فرا نخواند.

این گزارش ها بر این واقعیت تأکید دارند که فشار بر روسیه برای واشنگتن بدون هزینه هم نیست و قطعاً می تواند به ضرر آن باشد. رهبران کاخ سفید باید به این موضوع فکر کنند.

*- پل رابینسون استاد دانشگاه اتاوا است. او مطالب زیادی در زمینه تاریخ روسیه و شوروی، تاریخ نظامی نوشته و نویسنده وبلاگ Irrussionality است.